أعوذباللَه من الشيطان الرجيم‌

بسم اللَه الرحمن الرحيم‌

وصلّى اللَه على سيّدنا و نبيّنا أبى القاسم محمّد

وعلى آل بيته الطّاهرين، و اللعنة على أعدائهم أجمعين‌

 از این كه دیر خدمت اعزّه و احبّه رسیدم عذرخواهی می‌كنم، حالم مساعد نبود منتهی چون دیدم كه اگر بخواهم به تأخیر بیاندازم ممكن است موفق نشوم خدمت دوستان برسم و خلف وعده كرده باشم.

 امشب شب میلاد امام زمان علیه السلام، شب تحقّق مظهر عدل تامّ و اجراء حق و عدالت است. روایتی از پیغمبر اكرم نقل شده است [از امام باقر (ع) است‌] كه فرمودند ظاهراً از امام صادق علیه السلام [است و] مشابهش از پیغمبر اكرم است إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَه یدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُم‌[[1]](#footnote-1) یعنی وقتی كه امام زمان حضرت بقیة اللَه ارواحنا فداه وقتی كه ظهور كنند خداوند دستش را روی سر همه مردم می‌گذارد و ایمان مردم به واسطه ظهور حضرت تمام می‌شود و عقل آنها كامل می‌شود. مطلبی كه در این جا مطرح است این كه مگر امام زمان علیه السلام چه می‌كند؟ مطلب دوم این كه آیا این مطلب در زمان غیر از ظهور آن حضرت امكان پذیر نیست و حتما باید امام زمان ظهور كند؟ یعنی اجراء عدالت این اجرای عدالت نیاز به ظهور ظاهری آن حضرت دارد یا این كه برای افراد در غیر از زمان خود آن ظهور هم ممكن است و میسر است؟ و به عبارت دیگر آیا ما باید فقط منتظر ظهور حضرت باشیم و هیچ كار و عملی را نمی‌توانیم انجام بدهیم و چشم به ظهور آن حضرت باید بدوزیم؟ یا اینكه مطلب به صورت دیگری است؟

 یك روز من خدمت یكی از بزرگان رسیدم به اتفاق بعضی از رفقا و دوستان خودمان. آن شخص در تمام مدت مجالست و صحبت كه حدود یك ساعت و نیم طول كشید دائما صحبت از ظهور و زمان ظهور و آثار و علائم ظهور و ... فلان كس خوابیده در این تاریخ امام زمان ظهور می‌كند، فلان كس در مكاشفه دیده كه حضرت یك عددی را برای او ترسیم كرده‌اند. و می‌گفت من وقتی در فلان جا بودم یكی از شهرها در فلان سنین، خودم با بعضی از محاسبات و كارهایی كه كردم به دست آوردم كه حضرت در سال ١٤١٦ هجری قمری یعنی همین دو سال پیش ظهور می‌كند! البته آن موقع كه ما خدمت ایشان رسیدیم شاید حدود هفت یا هشت سال پیش بود و تمام این مدت به این حرفها گذشت.

 من از ایشان یك سوال كردم گفتم در این جا چند مسئله مطرح است، مطلب اول این كه این مطالبی را كه شما نسبت به ظهور حضرت می‌فرمایید كه در این سال ظهور می‌كند،" فلان كس خواب دیده"،" فلان كس مكاشفه كرده" یا امثال ذلك، یا درست است یاغلط است. اگر این مسائل غلط است كه چرا شما اینها را برای مردم مطرح می‌كنید؟ و چرا مردم را به اشتباه می‌اندازید؟ و چرا احتمال غلط بودن و باطل بودن می‌دادی خب چطور این كه دیدید باطل بود، یعنی ایشان به ما گفتند در سال ١٤١٦، الان ما ١٤١٨ هستیم و هنوز این مسائل دیده نشد؛ پس معلوم می‌شود كه این باطل بوده. گفتم اگر این مطالب غلط است چرا شما بیان می‌كنید؟ و اگر این مطالب صحیح است چرا ما اینها را از ائمه نشنیدیم؟ این چه مصلحتی است كه امام علیه السلام نباید برای مردم بیان كند كه در سال هزار و چهارصد و چند فرض كنید كه ظاهر می‌شود اما آن طوری كه آنها مطرح كردند به نحو كلی بود اما به نحو خصوص بیان نكردند.

 گفتم این مطلبِ اول و اما سوال دوم این كه بر فرض كه این مطالب صحیح باشد، این مطالب به نحو جدّ برای كسی مفید است و به درد كسی می‌خورد كه زمان ظهور حضرت را درك بكند. اگر شخصی قبل از ظهور حضرت از دنیا برود ظهور حضرت به چه درد او می‌خورد؟ چه فایده‌ای دارد؟ حالا [فرضا] كه امام زمان علیه السلام دو ماه دیگر ظهور كند و من بدانم یك هفته دیگر از دنیا می‌روم، به چه درد من می‌خورد؟ چه دردی ازدردهای من را دوا می‌كند؟ و چه نفعی برای كمال من دارد ظهوری كه حضرت دو ماه دیگر دارد؟ اگر قرار بر این باشد بگوییم كه خب ظهور حضرت در آن موقع برای من فایده دارد خب ظهور برای كسی كه هزار سال پیش هم از دنیا رفته، برای او هم فایده دارد. این همان معنا ولایت غیبی است كه ظاهر و باطن ندارد و سررشته همه امور به دست او است.

 پس بنابراین این كه ما بیاییم و وقتمان را بگذرانیم بر این كه امام علیه السلام كی ظهور می‌كند و در زمان ظهورش چه می‌شود و امثال ذلك، این چه نفعی برای ما دارد؟ چقدر بودند افرادی كه سابق مدعی ملاقات با امام زمان علیه السلام بودند؟ در همین دنیا ... و برای مردم حكایاتی نقل می‌كردند و برای مردم آثار و علائمی را بیان می‌كردند اما الان آنها در دل خاك خفتند؟ یعنی باطل همه اینها همه باطل بوده دیگر.

 من خودم شنیدم از بعضی افرادی كه آنها به ضرس قاطع زمان ظهور حضرت را تعیین می‌كردند و بعد خودشان را از افرادی كه در زمان ظهور هست از آنها معرفی می‌كردند در حالتی كه دو سال است كه از دنیا رفته‌اند. حتی یكی از اینها آمده بود پیش پدر ما و یك شب به پدر ما گفته بود كه البته این قضیه كه دارم خدمت شما عرض می‌كنم مال بیست سال پیش است گفته بود آقا من میخواهم به شما یك‌

 بشارت بدهم، گفتند: خب. بعد به پدر ما گفته بود كه یك بشارتی می‌خواهم به شما بدهم كه باید سور بدهید! یك سور باید بدهید تا این بشارت [را بگویم.] مرحوم پدر ما خندید و گفت كه حالا شما بشارت را بده انشاءاللَه سور طلبت. از این افرادی بود كه در بعضی از این علوم عجیبه و غریبه یك مقداری اطلاعاتی داشت. گفت من حساب كردم در علم اعداد و جفر و اینها كه شما جزو ٣١٣ نفری هستید كه در ركاب امام زمان اید.

 خب پدر ما سه سال پیش از دنیا رفت. از همان موقع هم ایشان رد نمی‌كرد، می‌خندید، مزاح می‌كرد، شوخی می‌كرد؛ [می‌فرمودند] انشاءاللَه امیدواریم ما را قبول كنند، از این عبارتهایی كه نه حكایت از رد مسئله است و نه حكایت از قبول آنها ولی صحبت این است كه پدر ما معطل نشد كه امام زمان ظهور كند، همان موقع كار خودش را ساخت اما آن بنده خدا [با این فكر كه‌] همین طور به این انتظار بنشین، مجلس تشكیل بده، مردم را جمع كن، با آنها صحبت كن، حضرت این موقع ظهور می‌كند، حضرت چه می‌كند. بعد هم سر مردم را یك مقداری با همین حرفها گرم بكنند و بعد هم بگویند نشد و نشد و بَدا شد و این طور شد. این مطالب صحیح نیست. سر مردم را گرم كردن با این مطالب صحیح نیست. چرا انسان واقعیت را نیاید مطرح كند؟ چرا یك حقیقتی را نیاید مطرح كند؟ چرا آن چه كه به درد مردم و به درد خودش می‌خورد آن را نیاید برای مردم مطرح كند؟

 امام زمان علیه السلام اگر خدا توفیق داد به ما كه چشممان به جمال منور ایشان روشن بشود كه با دنیا و آخرت برابری نمی‌كند خب فبها چه بهتر و اگر توفیق پیدا نكردیم، بنشینیم دست روی دست بگذاریم و همین طور آتل و باطل بمانیم تا اینكه امام زمان علیه السلام ظهور كند؟ لعل این كه مشیت الهی [ما] بر زیارت ما؛ جمال منور ایشان تعلق نگرفته باشد.

 یك روز خدمت مرحوم آقای حداد بودم در آن موقع سنم هفده سال بود این قضیه مال بیست و پنج سال پیش است ایشان یك ساعت راجع به مسائل دیگر ... این قضیه در كربلا اتفاق افتاد در همان سفری كه خود مرحوم آقا در كتاب روح مجرد هم نوشتند.

 مرحوم آقا به اتفاق اخوی ما از منزل بیرون آمدند و به سمت حرم سیدالشهدا حركت كردند كه زیارت كنند، قرار شد كه من با مرحوم آقای حداد یك یك ساعتی ایشان با من صحبت كنند و بعد من بروم به ایشان ملحق بشوم. ایشان در بین صحبتهایی [مطالبی‌] كه به من فرمودند و سوالاتی من كردم و ایشان جوابهایی دادند و اینها، من رو كردم به مرحوم آقای حداد گفتم كه آقا رویت ظاهری امام علیه السلام از نقطه نظر سلوك آیا برای سالك ضروری است، ضرورت دارد؟ ایشان یك خنده ای كردند و به من فرمودند: سالك هدفش و غایتش معرفت و رسیدن به باطن امام علیه السلام است، این منظور

 سالك است، هدف سالك با هدف سایر مردم تفاوت دارد.

 شما الان نگاه كنید ببینید خیابانها را جشن بستند آیین بستند و تكایا، اینها شعر می‌خوانند شادی می‌كنند، شیرینی می‌دهند، اینها همه‌اش درست، اینها همه‌اش باید این طور باشد، باید این طور باشد باید شادی باشد، باید جشن باشد، شعائر دین واجب است در حكومت اسلام و در مملكت اسلام انجام بشود و متأسفانه ما مسلمان‌ها و بخصوص ما شیعیان نسبت به این قضیه اتفاقا كوتاهی می‌كنیم.

 پارسال بود من در سفری كه در لبنان داشتم یك شب اتفاق بعضی از دوستان كه بیرون آمده بودیم، [دیدیم‌] خیلی شهر شلوغ است جشن است و از این ترقه بازی ها و خیلی اصلا یك بساطی، خیلی عجیب بود. سوال كردیم مگر امشب چه خبر است؟ گفتند امشب یكی از اعیاد مسیحیان است، شب تولد نبود یكی از اعیاد مسیحی‌ها بود. جلوی ماشینها را نگه می‌داشتند و شیرینی می‌دادند همین مسیحی ها و شیرینی می‌دادند، نقل می‌دادند، به زور خلاصه محبت می‌كردند.

 چند روز بعد از آن، روز ١٧ ربیع روز میلاد پیغمبر اكرم بود و من یك چراغ ندیدم در این بیروت راجع به میلاد پیغمبر روشن بشود. با این كه دو سوم جمعیت و بلكه سه چهارم جمعیت آنها را مسلمان‌ها اعم از اهل تسنن و شیعه تشكیل می‌داد. ببینید چقدر این مسئله مهم است. در محله شیعه نشین بیروت كه همین محلی بود كه آن ساختمانی كه ما در آن جا بودیم در شب میلاد پیغمبر فقط یك نفر را ما دیدیم كه یك ظرف شكلات دستش گرفته بود كنار خیابان و ماشینهایی كه رد می‌شدند، همینجوری دستش را نگه داشته بود حالا ماشینهایی كه رد می‌شدند یكی برمی‌داشت، یكی رد می‌شد. این آنچه را كه بود. درست شد؟ اینها تمام یك روزی باید حساب پس بدهند.

 تعظیم شعائر دین از اهمّ واجبات است، ما فرزندانمان را با این فرهنگ باید بار بیاوریم، بچه‌هایمان را با این فرهنگ باید بار بیاوریم. می‌دانید معاویه چه كار می‌كرد؟ برمی‌داشت عسل می‌فرستاد خانه این و آن می‌گفت بگویید معاویه فرستاده، غذا می‌فرستاد خانه اینها و ... بچه چه می‌فهمد؟ بچه نگاه می‌كند، می‌بیند كسی كه به او محبت می‌كند، [به او] علاقه پیدا می‌كند، بزرگ هم همین طور.

 باید در مملكت اسلام و در حكومت اسلام نسبت به شعائر دینی و مناسباتی كه مربوط است به ائمه هدی صلوات اللَه علیهم اجمعین و بخصوص امام زمان عج اللَه تعالی فرجه الشریف باید سنگ تمام گذاشته شود. ما هر چه داریم از ائمه داریم و هر چه داریم از امام زمان علیه السلام داریم. در رأس شعارهای ما تأسّی به امام زمان علیه السلام باید قرار بگیرد و بقیه تحت الشعاع باید باشد، در رأس شعارهای ما متابعت از ائمه علیهم السلام باید قرار بگیرد، بقیه اشیاء باید تحت الشعاع باشد، من كی‌

 هستم؟ امثال من چه كسانی هستند؟ من و امثال من تمام ما ریزه خوار این خوان و ریزه خوار سفره انعام ائمه معصومین علیهم السلام هستیم.

 الان این مسائل باید مورد توجه قرار بگیرد اما صحبت در این جا این است كه این شعارها و این نشاطها و این مسائل اینها یك جنبه ظاهری دارد كه در جنب این جنبه ظاهر آن حقیقت نباید فراموش بشود. بیاییم و جشن بگیریم و شادی كنیم و شیرینی پخش كنیم برای امام زمان علیه السلام بعد از او می‌پرسند كه خب نمازت را خواندی یا نه؟ می‌گوید: نه نماز نخواندم نمازم قضا شده. می‌گویند: خب چرا نمازت قضا شده؟ می‌گوید: جشن از نماز مهمتر است. خب اینها سالك در این مسیر حركت نمی‌كند؛ سالك علاوه بر رعایت مسائل ظاهر به آن حقیقتی می‌پردازد كه برای آن حقیقت این جلوات در خارج بروز و ظهور پیدا می‌كند.

 ایشان (حضرت مرحوم حداد) به من فرمودند: اگر می‌خواهی امام زمان علیه السلام را ببینی، من یك دستورالعمل به تو می‌دهم، بعد از ده روز حضرت را می‌بینی و با ایشان صحبت می‌كنی و دستورالعمل این است، به من دستورالعمل را دادند ولی فرمودند: اما اگر طالب دیدار باطن هستی و می‌خواهی به آن حقیقت و ولایت برسی، دنبال دیدن ظاهر و اینها نباید باشی ولی اگر می‌خواهی دستورالعمل هم همین است.

 و من انجام ندادم آن دستوالعمل را، چرا؟ چون دیدم این دیدن ظاهر این دیدن، دیدن نفس است، خوشم می‌آید كه من امام را دیده باشم، خوشم می‌آید كه من حضرت را بروم ببینیم، خوش می‌آید. اگر من حضرت را ببینم و حضرت بگویند برای چه آمدی و خواستی ما را ببینی؟ خب حالا دیدی و خیالت راحت شد؟ خب حالا دیدی، آیا به دستورات من عمل كردی؟ آیا آن چه كه مورد رضایت من است انجام دادی؟ خلاصه اگر از من پرسیدند كه" تو در برون چه كردی كه درون خانه آیی" چه جوابی داری؟

 این بود مرام و مكتب اولیا و بزرگان بود، اولیا و بزرگان خودشان را معطل ظهور امام زمان نكردند. امام زمان را در هر حالی در كنار خودشان مشاهده كردند، الان امام زمان در همین مجلس حضور دارد، امام زمان علیه السلام در تك تك منازل ما و شما حضور دارد. امام زمان علیه السلام با تمام شراشرِ وجود ما و شما مصاحبت دارد و مجالست دارد و همچون موم در دست آن حضرت ما در تقلا و در تكاپو هستیم، امام زمان این طوری است، نه اینكه یك شخص خارجی‌ای كه فقط ارتباطش در صورتی است كه حجابی نباشد، مانعی نباشد، ما بخواهیم او را ببینیم. آن وقتی كه ما توجه به امام كردیم آن موقع امام در قلب ما است، آن موقعی كه نماز را با حضور خواندیم، بدانیم در آن موقع امام زمان علیه‌

 السلام در خانه ما بود. مسئله از این قرار است.

 دیدید امواج چطور الان این وسایل و دستگاههایی كه خب در این جا هست اینها امواج را ضبط می‌كنند، درست است؟ امواج هست، امواج از هر جهت در این اتاق هست، امواج رادویی هست، امواج تلویزیونی هست، امواج صوتی هست، امواج كوتاه و بلند در این جا هست، تمام اینها وجود دارد. صحبت در گیرنده است، اگر گیرنده را شما تنظیم كنید پیچش را بپیچانید، تنظیم كنید روی آن ایستگاه او را می‌گیرد، اگر یك مقداری فاصله بدهید نمی‌گیرد، سر وصدا می‌كند، خش خش می‌كند؛ چون هنوز آن گیرنده روی ایستگاه تنظیم نشده. آن وقتی كه شما نمازتان با حضور قلب بود آن موقع گیرنده شما روی ایستگاه تنظیم شده، سِت شده آن موقع.

 اگر نماز بدون حضور قلب باشد هنوز یك سانت با ایستگاه فاصله دارید، خش خش می‌كند و چون امام طاهر است در قلب طاهر می‌آید در قلب غیر طاهر نمی‌آید. امام حق محض است، امام طهارت محض است، امام علیه السلام قُدس و صفای محض است. این نیاز به هیچ محكی ندارد شما وقتی كه در وجود خودتان حالت روحانیت دیدید بدانید كه در آن موقع مورد توجه حضرت هستید، اگر در خودتان حالت روحانیت ندید بدانید نیستید، محك نمی‌خواهد. حالا امام زمان علیه السلام بیاید و شما او را ببینید چه فایده؟ چه نتیجه؟ درست شد؟

 پس بنابراین، هدفی كه در آن هدف امام صادق علیه السلام می‌فرماید: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَه یدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُم آن هدف برای كیست؟ برای مردم عوام است، بله برای مردم عوام ظهور حضرت مفید است، امنیت برقرار می‌شود، عدالت برقرار می‌شود، اطمینان برقرار می‌شود، مظاهر فساد همه از بین می‌روند. اما برای آن سالك ... كی ضرر كرده؟ خودش ضرر كرده.

 در آن جلسه روز گذشته خدمت دوستان از اخوه و برادران این مطلب را در آن جا عرض كردم اگر شنیده باشید كه هر لحظه از عمری كه خداوند در این دنیا به ما بدهد، یك لحظه از عالم برزخ را كم می‌كند. یعنی اگر قرار بر این باشد كه برای كمال انسان، خدا در این دنیا بخواهد پنجاه سال عمر بدهد به همان مقدار كه كم داده است در عالم برزخ اضافه می‌كند و اگر در اینجا آن نصیب از حیات دنیوی را به انسان داده باشد، دیگر در عالم برزخ خبری نیست، هیچ خبری نیست. پس بدانید این لحظاتی كه در این دنیا از ما می‌رود به جایش نه در این دنیا و نه در آن دنیا نخواهد آمد. حساب دارد. این می‌شود خدای عادل. خدای عادل نگویید كه چرا فرض كنید كه فلان كس در بیست سالگی از دنیا رفت؟ خب توقع داشتید چقدر در این دنیا بماند برای اینكه به كمال برسد؟ اگر شخص در راه باشد و در بیست‌

 سالگی از دنیا برود فرض كنید كه پانزده سال طول می‌كشد برای اینكه به كمال برسد، خدا سیزده سال از [در] آن دنیا در عالم برزخ برای این قرار می‌دهد قرار می‌دهد. این جا از تو كم گذاشت آن جا اضافه می‌كند.

 به هوای بعد از مرگ و پس از مرگ و امثال ذلك ننشینید، این سرمایه ای است كه از بین می‌رود و دیگر به جای او برنمی‌گردد، حالا با توجه به این قضیه چطور ما می‌توانیم دست روی دست بگذاریم و تمام استعدادها و آن جهاتی [و قوایی‌] كه خداوند برای قوا برای رسیدن به فعلیت و كمال در وجود ما قرار داده آنها را آتل و باطل به لهو و لعب و به امید ظهور امام علیه السلام [تلف كنیم،] همین طور دلمان را خوش كنیم به این كه طور خواهد شد، آن طور خواهد شد فلان می‌شود، ستاره اگر در آسمان بیاید دلالت بر ظهور می‌كند، از مشرق اگر فلان قضیه اتفاق بیافتد چه خواهد شد، از سوریه اگر فرض كنید كه [می‌گویند] سفیانی می‌گویند ظهور بكند دیگر موقع ظهور حضرت است. شما اصلا می‌دانید كه فردا زنده هستید یا نه؟ حالا گیرم بر اینكه سفیانی هم ظهور كند، وقتی من نباشم برای من چه فایده دارد؟

 لذا ما در این دنیا باید درصدد این باشیم آن اهدافی كه در زمان ظهور حضرت بقیة اللَه ارواحنا فداه برای عامه مردم حضرت می‌آورد ما آن‌ها را در زمان غیبت انجام بدهیم، این مهم است. آن چه را كه امام علیه السلام با ظهور خود و با حضور خود به عنوان تكلیف و به عنوان نردبان برای فعلیت كمالات برای انسان می‌آورد، آنها را ما [برای آن‌ها] منتظر ظهور حضرت نشویم. كلمات آن حضرت هست، بیانات آن حضرت هست، نامه‌هایی كه آن حضرت دادند هست، سوال و جوابها هست، از سایر ائمه هست، ما چیزی كم نداریم كه منتظر ظهور امام باشیم و خلاصه بخواهیم با ظهور امام رفع نقایص خودمان را بكنیم. مگر این همه از بزرگانی كه در زمان غیبت به مقام ولایت و طهارت رسیدند مگر اینها منتظر ظهور شدند؟

 یك بار من در تمام مدت عمر مرحوم آقا رضوان اللَه علیه نشنیدم كه ایشان در صحبتهایشان در جلساتشان [دوستانشان را رفقایشان را با این مسائل‌] تشویق كنند، دوستانشان را رفقایشان را با این مسائل حضرت كی ظهور می‌كند و در چه تاریخی خواهد آمد و فلان، نه ... من نشنیدم.

 تمام توجه ایشان و تمام توجیح ایشان، دوستان خودشان را در این راستا متوجه عمل به تكلیف متوجه عمل به تكلیف بوده؛ اگر این كار را انجام دادید با آن حضرت معیت دارید.

 یك روز یكی از دوستان از مرحوم آقا سوال كرده بود و گفته بود كه آقا ارتباط شما با امام زمان علیه السلام چه جوری است؟ البته ایشان خب جوابی كه به او دادند عرض می‌كنم اما مطلب بالاتر از این است، ایشان فرمودند: مثل این كه الان من اینجا نشستم ایشان طبقه بالا بودند فرض كنید كه‌

 طبقه بالای این جا امام این جا نشستند چطور افرادی در طبقه پایین، در مسجد و اینها نشستند و بازی می‌كنند، صحبت می‌كنند، حركت می‌كنند احاطه و اشراف دارم و مواظب هستم كه كسی از جایش بلند نشود، تخطی نكند كسی مثلا، شیطانی نكند و امثال ذلك، امام علیه السلام با همین ... انگار در طبقه‌بالا نشستند و من طبقه پایین بر آنجا [احاطه‌] دارد ... البته این جوابی كه باز دادند مطابق با فهم اوست، مسئله خیلی از اینها بالاتر است، خیلی بالاتر و دقیقتر است و این مسئله است.

 خب گفتند" ره چنان رو كه رهروان رفتند" اینها را كه ما دیدیم هی وعده به ظهور و اینها دادند همینطور از دنیا رفتند و به وعده‌های خودشان نرسیدند، خب اینكه با چشم خودمان دیدیم. این طرف [افرادی‌] كه در مطالب دیگر و مسائل دیگر حركت كردند، نتایج اینها را هم دیدیم. خب حالا گروهی این، گروهی آن پسندند، این دیگر این گوی و این میدان. گفت: گر گدا كاهل بود تقصیر صاحبخانه نیست چیست؟ امام علیه السلام موت و حیات ندارد، كوچك و بزرگی ندارد، غیبت و ظهور ندارد.

 همین كه شما در این جا جمع شدید در این روز روز ١٤ و شب نیمه شعبان و آمدید در این جا و خواستید حالا دیگر از باب قحط الرجالی و چه عرض كنم و از باب تأسف و تأسر و بدشانسی اسمش را بگذاریم حالا دیگر دقائقی از عمرتان را در صحبت با ما بگذرانید، همین قضیه و این نیت شما كه شما را به این جا آورده كی آورده؟ چرا شما جای دیگر نرفتید؟ چرا مانند بقیه افراد به مسائل دیگر نپرداختید؟ این چیست قضیه؟ این امام علیه السلام است. درست شد؟

 این احاطه مقام ولایت به این می‌گویند به این می‌گویند ... كه بیاید و توفیق بدهد و راه بیاندازد و حركت بدهد و عرض كنم حضورتان كه انسان را ببرد. و بدانید كه در تمام لحظات و در تمام دقایق و در تمام خطورات اول او را حاضر ببینید و اول او را ناظر ببیند و بعد آن حرفی را می‌خواهید بزنید، آن قدمی را كه می‌خواهید بردارید، آن عملی را كه می‌خواهید انجام دهید. اول وجود حضرت را در كنار خودتان حاضر ببینید مثل این كه من الان دارم صحبت می‌كنم می‌دانید چه می‌خواهم بگویم؟

 یك روز مرحوم آقا این سوال را از من كردند بله یا خودم به ایشان عرض كرده بودم حالا نمی‌دانم راجع به چه مسأله ای بود من داشتم با ایشان صحبت می‌كردم، عرض كردم گفتم آقا من وقتی‌كه دارم با یك شخص صحبت می‌كنم اگر امام علیه السلام هم اینجا در كنارم باشد همین طوری حرف می‌زنم، همین طوری، یعنی می‌خواهم این طور باشم. یعنی این حالت حضور امام علیه السلام را هر كدام از ما در هر عملی كه می‌خواهیم انجام بدهیم باید در كنار خودمان مشاهده كنیم، آن وقت شما ببینید اگر واقعا افراد بخواهند به این مطلب عمل كنند چه وضعی پیش می‌آید، چه اوضاعی پیش می‌آید، دیگر كسی می‌تواند به كسی دروغ بگوید؟ دیگر كسی می‌تواند به كسی تهمت بزند؟ دیگر كسی‌

 می‌تواند به كسی نیت بد كند؟ تمام اینها چیست همه اینها از بین می‌رود. یك چند روزی امتحان كیند، یك مدتی امتحان كنید، اگر بدی دیدیم خب كنار می‌گذاریم خب كاری ندارد، اگر نتیجه آن را برایمان روشن و ملموس بود خب دیگر در آن صورت انسان عاقل و انسان منطقی هیچ وقت عمل راجح را نمی‌آید ترك كند.

 خب صحبت ما طولانی شد و وقت نماز مغرب شد و ما هم چون عازم هستیم لذا دیگر خدمت دوستان و سروران باید ... كنم. امشب شب نیمه شعبان است، امروز هم عرض كردم به دوستان كه بودیم، امشب شب احیاء است و تمام اولیاء و بزرگان نسبت به احیاء امشب خیلی تأكید داشتند و خود مرحوم آقا هم شب‌های نیمه شعبان با همین دوستانشان احیا می‌گرفتند البته در همان زمانی كه در تهران بودند ولی بعد كه به مشهد مشرف شدند دیگر خب دستور می‌دادند كه هر كسی در منزل خودش داشته باشد و یادم است كه خودشان هم دعای كمیل می‌خواندند در همین شب با همان دوستان به اصطلاح خصوصی ایشان و دعای جوشن هم وارد است، دعای كمیل هم وارد است، دعای فرج هم برای ظهور آن حضرت هم وارد است.

 البته وقتی كه در دعای فرج انسان ظهور ظاهری را از خداوند متعال طلب می‌كند باید در وهله اول ظهور آن باطنی را برای خودش طلب كند، این مهم است. ظهور باطنی برای انسان طلب بشود و آن بایستی مورد طلب [واقع‌] شود. حالا چه ظهور ظاهر باشد چه نباشد، چطور اینكه در [این مسأله‌] روایاتی هم از امام صادق علیه السلام داریم.

 در هر صورت احیاء امشب خیلی مستحب است و این طور تصور نكنید كه تمام شب را حتما بیدار باشید، نه، برای رفع خستگی یك مقداری استراحت بكنید اشكالی ندارد. خلاصه بدانید كه شب، شب بسیار مهمی است و نظیر امشب كم پیدا می‌شود. خلاصه از دست ندهید فرصت را كه [به دست نمی‌آید این فرصت‌]، امیدواریم كه ما را هم از دعا فراموش نكیند و این حقیر فقیر مسكین را هم مدّ نظر داشته باشید. امیدواریم كه به واسطه توجهات امام زمان علیه السلام، عنایت آن حضرت و الطاف بی شائبه آن حضرت در دنیا و آخرت همیشه ممدّ و مؤید ما باشد.

 اللَهمَّ صلِّ عَلی محمَّد و آلِ مُحمَّد

1. الكافى، ج ١، ص ٢٥ [↑](#footnote-ref-1)